

طراحی شهری و پیشگیری از جرم: رویکردی از جرم‌شناسی محیطی

عبدالرضا مهدی پور^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

چکیده

طراحی شهری یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری روابط اجتماعی و کاهش میزان بزهکاری در شهرهای معاصر به شمار می‌رود. پژوهش حاضر به بررسی نقطه اتصال میان برنامه‌ریزی شهری و جرم‌شناسی محیطی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های کالبدی شهر می‌توانند در پیشگیری از جرم نقش ایفا کنند. در این تحقیق با بهره‌گیری از نظریه‌های مهم جرم‌شناسی، از جمله فعالیت‌های روزمره، الگوی جرم و پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)، رابطه میان ساختار فیزیکی فضا و بروز رفتارهای مجرمانه تحلیل شده است. مطالعه حاضر با رویکردی ترکیبی، مرور ادبیات علمی را با تحلیل نمونه‌هایی از فضاهای شهری موفق که با به‌کارگیری راهبردهای کارآمد امنیتی شناخته شده‌اند، تلفیق می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که عناصری مانند تقویت نظارت بصری، مشخص‌سازی قلمرو و کنترل دسترسی، با افزایش قابلیت دیده شدن، ارتقای حس تعلق اجتماعی و کاهش احتمال وقوع رفتارهای غیرقانونی، در کاهش جرم نقش مؤثری دارند. با وجود این، چالش‌هایی مانند نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، محدودیت‌های اجرایی و پیچیدگی‌های ناشی از تراکم شهری، اجرای کامل راهکارهای پیشگیرانه را دشوار می‌سازد. این پژوهش بر ضرورت رویکردی میان‌رشته‌ای که طراحی شهری، سیاست‌گذاری و مشارکت مردمی را همزمان دربر گیرد، تأکید می‌کند. یافته‌ها می‌تواند برای برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران و فعالان شهری کاربرد داشته و پیشنهادهایی عملی برای گنجاندن رویکرد پیشگیری از جرم در برنامه‌های توسعه شهری ارائه می‌کند. همچنین انجام تحقیقات تکمیلی برای بررسی راهکارهای نوآورانه و پاسخگویی به شرایط خاص هر شهر توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

طراحی شهری، جرم‌شناسی محیطی، سیاست‌گذاری، مشارکت مردمی، کاهش جرم

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (Reza.mahdi13640@gmail.com)

۱. مقدمه

روند گسترش شهرنشینی چگونگی ارتباط انسان با محیط زندگی خود را دگرگون کرده و زمینه‌ساز رشد اقتصادی، انسجام اجتماعی و بیان هویت فرهنگی شده است. با این حال، توسعه سریع شهرها پیامدهایی نیز برای امنیت عمومی به همراه داشته و بسیاری از مناطق شهری با افزایش نرخ جرم مواجه شده‌اند. در بسیاری از موارد، عواملی مانند نحوه سازمان‌دهی محلات، اختلافات درآمدی و تراکم بالای جمعیت از دلایل اصلی بروز این وضعیت به شمار می‌روند. این تحولات باعث شده است که برنامه‌ریزان شهری، سیاست‌گذاران و پژوهشگران حوزه جرم‌شناسی بار دیگر نقش طراحی محیطی را در ارتقای احساس ایمنی و کاهش بزهکاری مورد توجه قرار دهند. بررسی این موضوع نشان می‌دهد که رابطه میان محیط ساخته‌شده و الگوهای جرم می‌تواند بر کیفیت زندگی، مشارکت جمعی و پویایی اقتصادی در شهر تأثیرگذار باشد (Cozens, 2011).

پژوهش حاضر با این هدف انجام شده است که طراحی شهری را به عنوان ابزاری عملی برای پیشگیری از وقوع جرم و در چارچوب رویکردهای جرم‌شناسی محیطی تحلیل کند. در این راستا، نظریه‌های مرتبط با تأثیر محیط بر رفتار مجرمانه، مانند نظریه فعالیت‌های روزمره، نظریه الگوی جرم و رویکرد انتخاب منطقی، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یکی از محورهای اصلی این پژوهش بررسی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) است که در آن عناصر کلیدی همچون نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، تقویت حس قلمرو و نگهداری به عنوان سازوکارهای مؤثر در کاهش فرصت‌های مجرمانه معرفی می‌شوند. دامنه تحقیق فضاهای عمومی، محلات مسکونی، شبکه‌های حمل‌ونقل و کاربری‌های ترکیبی را در بر می‌گیرد و تلاش می‌شود به پرسش‌هایی از جمله نحوه ادغام طراحی شهری در سیاست‌های کاهش جرم، موانع اجرای این رویکرد و نقش مشارکت جامعه در اثربخشی اقدامات پیشگیرانه پاسخ داده شود (Khan and Ximei, 2022).

اهمیت این مطالعه در آن است که نقطه تلاقی میان طراحی شهری، جرم‌شناسی و علوم اجتماعی را بررسی می‌کند و می‌کوشد راهکارهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران، مدیران شهری و فعالان اجتماعی ارائه دهد تا امکان ساخت فضاهایی امن‌تر و فراگیرتر فراهم شود. در این پژوهش همچنین به ابعاد گسترده‌تری مانند نقش طراحی محیطی در تحقق عدالت اجتماعی و کاهش ترس از جرم پرداخته می‌شود؛ موضوعی که بی‌توجهی به آن می‌تواند اعتماد عمومی و فعالیت اجتماعی شهروندان را تضعیف کند (سهرابی اسمرود و نجفی توانا، ۱۴۰۱). روش تحقیق ترکیبی و شامل تحلیل کیفی منابع نظری و بررسی نمونه‌های تجربی از تجارب موفق و ناموفق طراحی شهری است. نتایج نشان می‌دهد که محیط‌های طراحی شده با رویکردی آگاهانه نه تنها باعث کاهش جرم می‌شوند، بلکه تعاملات اجتماعی، فعالیت اقتصادی و سطح رضایت‌مندی ساکنان را نیز افزایش می‌دهند. ساختار مقاله به این صورت تنظیم شده است: ابتدا مبانی نظری مرتبط با جرم‌شناسی محیطی و پیوند آن با طراحی شهری مرور می‌شود؛ سپس اصول CPTED و کاربردهای آن در فضاهای مختلف تشریح خواهد شد. در ادامه نمونه‌های واقعی مورد تحلیل قرار می‌گیرند و در بخش‌های پایانی چالش‌های موجود و زمینه‌های بهبود بررسی شده و در نهایت پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تحقیقات آینده ارائه می‌شود (Cozens, 2011).

۲. روش‌شناسی پژوهش

بررسی مطالعات پیشین در طراحی شهری و پیشگیری از جرم

بحث درباره نقش طراحی شهری در پیشگیری از جرم سابقه‌ای طولانی در حوزه‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دارد. این بخش با مرور نظریه‌ها، مدل‌ها و پژوهش‌های کلیدی، پایه‌ای نظری برای فهم رابطه میان محیط ساخته‌شده و رفتار مجرمانه ارائه می‌دهد و ارتباط این مفاهیم با مسئله تحقیق را روشن می‌کند. جرم‌شناسی محیطی، مطابق دیدگاه برانتینگهام و برانتینگهام (۱۹۸۱)، بر این فرض استوار است که جرم در فضاهای اتفاقی رخ نمی‌دهد، بلکه تحت تأثیر ویژگی‌های محیطی در مکان‌های مشخص شکل می‌گیرد. نظریه فعالیت‌های روزمره، ارائه‌شده توسط کوهن و فلسون (۱۹۷۹)، وقوع جرم را نتیجه هم‌زمانی سه عامل می‌داند: وجود فرد مجرم، حضور هدف مناسب و فقدان مراقبان مؤثر. این نظریه نشان می‌دهد که طراحی فضاهای شهری باید به گونه‌ای باشد که از طریق افزایش قابلیت نظارت و کنترل دسترسی، مانع شکل‌گیری چنین شرایطی شود. نظریه الگوی جرم نیز توضیح می‌دهد که ساختار شهر چگونه زمینه‌ساز ایجاد «نقاط داغ جرم» می‌شود و مجرمان با استفاده از الگوهای حرکتی قابل پیش‌بینی از این فضاها بهره‌برداری می‌کنند. کوهن و فلسون (۱۹۷۹) با تحلیل نمونه‌هایی مانند کوچه‌های خلوت یا فضاهای تاریک شهری نشان داده است که چگونه برخی ویژگی‌های فیزیکی محیط می‌توانند جذابیت مکان برای رفتار مجرمانه را افزایش دهند و اهمیت اصلاح کالبد محیط را پررنگ‌تر می‌کند.

رویکرد CPTED نخستین بار توسط جفری (۱۹۷۱) مطرح شد و نیومن (۱۹۷۲) در کتاب معروف «فضای قابل دفاع» آن را بسط داد. او معتقد بود که با استفاده از طراحی مناسب می‌توان حس قلمرو، نظارت طبیعی و انسجام اجتماعی را تقویت کرد و از این طریق بروز جرم را کاهش داد. پژوهش‌های جدیدتر از جمله کارهای کوزنز، ساویل و هیلیر (۲۰۰۵) این رویکرد را با اصول برنامه‌ریزی معاصر ترکیب کرده و بر پایداری و مدیریت بلندمدت فضاهای شهری تأکید کرده‌اند. بررسی‌های میدانی نیز نشان داده‌اند که CPTED در محیط‌های گوناگون قابل استفاده است. برای نمونه، براونینگ، احمدی و همکاران (۱۳۹۷) به ارتباط میان پوشش سبز شهری و جرم پرداخته و دریافته‌اند که فضاهای سبز نگهداری‌شده می‌توانند با تقویت تعامل اجتماعی و حضور افراد، به کاهش جرم منجر شوند، در حالی که فضاهای رهاشده اثر معکوس دارند و این موضوع اهمیت نگهداری و مدیریت مداوم محیط را برجسته می‌سازد.

پژوهش‌های تجربی طی دهه‌های اخیر شواهد قابل توجهی از تأثیر طراحی شهری بر رفتار مجرمانه ارائه کرده‌اند. جین جیکوبز (۱۹۶۱) در اثر مشهور خود «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» بر اهمیت «چشم‌ها بر خیابان» تأکید کرد و معتقد بود که تنوع کاربری و حضور پیاده‌ها باعث افزایش نظارت خودجوش و کاهش جرم می‌شود. این دیدگاه بعدها در پژوهش‌هایی مانند هیلیر و شهباز (۲۰۰۸) که از تحلیل نحو فضا استفاده کردند، تأیید شد و نشان داد شبکه‌های شهری پیوسته با افزایش جریان عابران و دید بصری، وقوع جرم را کاهش می‌دهند. نمونه‌های عملی مانند بازطراحی پارک برایانت در نیویورک نیز مؤید این رویکرد است؛ به گفته تات (۲۰۱۵)، ایجاد خطوط دید باز، بهبود روشنایی و تنوع فعالیت‌ها در این پارک سبب کاهش چشمگیر تخلفات شد. همچنین پژوهش وایزبورد و همکاران (۲۰۱۲) درباره نظارت بر نقاط جرم‌خیز نشان می‌دهد که همکاری بین طراحی فضا و مداخله پلیسی تأثیری هم‌افزا در کاهش جرم دارد. با وجود حمایت گسترده پژوهش‌ها از تأثیر مثبت طراحی شهری در پیشگیری از جرم، نقدهایی نیز به این رویکرد وارد است. رینالد (۲۰۱۱) بر این باور است که اتکای بیش‌ازحد CPTED بر نظارت و کنترل دسترسی می‌تواند به

امنیتی شدن افراطی فضاهای عمومی و کاهش حس شمولیت اجتماعی بینجامد. برخی محققان مانند هریرا (۲۰۲۳) نیز به مسئله «جابجایی جرم» اشاره می‌کنند؛ یعنی مجرمیت به جای حذف، تنها از محله‌ای به محله‌ای دیگر منتقل می‌شود. این انتقادات نشان می‌دهد که هرگونه راهبرد پیشگیری باید میان امنیت، عدالت فضایی و کارکردهای اجتماعی فضا تعادل برقرار کند. مجموعه ادبیات موجود، مبنایی محکم برای بررسی نقش طراحی شهری در جلوگیری از جرم فراهم ساخته و هم نظریه‌های جرم‌شناسی محیطی و CPTED را تشریح می‌کند و هم نکات کاربردی و تجربی را برجسته می‌سازد. یکی از خلأهای مهم این حوزه به چالش‌های اجرای این رویکردها در انواع بافت‌های شهری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مربوط می‌شود. این پژوهش تلاش دارد با ارزیابی انتقادی نمونه‌های عملی طراحی شهری و تبدیل یافته‌های تجربی به توصیه‌های قابل اجرا، گامی در جهت توسعه محیط‌های شهری امن‌تر و فراگیرتر بردارد.

چارچوب مفهومی و نظری در مطالعات طراحی شهری و جرم‌شناسی محیطی

چارچوب مفهومی این تحقیق بر این ایده استوار است که طراحی شهری می‌تواند با شکل‌دهی فضای فیزیکی و ایجاد الگوهای جدید تعامل میان انسان و محیط ساخته‌شده، در کاهش و پیشگیری از جرم نقش مؤثری ایفا کند. این دیدگاه ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و از مباحث جغرافیای انسانی، علوم اجتماعی و رویکردهای جرم‌شناسی بهره می‌گیرد. در مرکز این چارچوب، رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) قرار دارد که مجموعه‌ای از راهبردهای عملی شامل نظارت طبیعی، کنترل ورودی و خروجی، تقویت قلمرو و نگهداری مستمر محیط را به عنوان ابزارهای کاهش فرصت‌های مجرمانه پیشنهاد می‌کند. علاوه بر این، نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی محیطی نیز پشتوانه مهم این مدل مفهومی هستند. نظریه فعالیت‌های روزمره، وقوع جرم را حاصل همزمانی سه عنصر می‌داند: وجود بزهکار، هدف مناسب و نبود مراقبان مؤثر. نظریه الگوی جرم نیز با تحلیل پراکنش جرم در فضاهای شهری نشان می‌دهد که نحوه سازماندهی کالبدی شهر می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نقاط جرم‌خیز شود. در کنار یکدیگر، این نظریه‌ها روشن می‌کنند که عواملی چون کیفیت روشنایی، طراحی شبکه معابر و نوع کاربری زمین می‌توانند بر میزان بروز جرائم شهری اثر بگذارند. بر این اساس، چارچوب تحلیلی پژوهش فرض می‌کند که طراحی اصولی فضاهای شهری قادر است پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده، حس مالکیت و مشارکت جمعی را افزایش دهد و در نتیجه، ترس از جرم را کاهش داده و امنیت شهری را ارتقا دهد. با این حال، این چارچوب همچنین تأکید می‌کند که اثربخشی این راهبردها می‌تواند تحت تأثیر عواملی چون شرایط اجتماعی-اقتصادی، ساختار سیاست‌گذاری موجود و میزان حضور و مشارکت جامعه قرار گیرد. چنین مدلی این امکان را فراهم می‌سازد که رابطه پیچیده و پویا میان سه مؤلفه اصلی—طراحی شهری، رفتار انسان و فرایند پیشگیری از جرم—به صورت یکپارچه و در بستر واقعی شهر مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

این پژوهش با بهره‌گیری هم‌زمان از روش‌های کیفی و کمی، رویکردی ترکیبی را اتخاذ کرده تا رابطه میان طراحی شهری و پیشگیری از جرم به صورت جامع مورد بررسی قرار گیرد. فرایند تحقیق در سه مرحله اصلی سازمان‌دهی شده است. در مرحله نخست، مرور ادبیات انجام می‌شود تا مبانی نظری مورد نیاز با اتکا بر پژوهش‌ها و منابع مرتبط در حوزه‌های جرم‌شناسی محیطی، برنامه‌ریزی شهری و رویکرد CPTED شکل بگیرد. این مرحله به شناسایی مفاهیم کلیدی، چارچوب‌های تحلیلی و چالش‌های مطرح در زمینه موضوع مورد مطالعه کمک می‌کند. مرحله دوم شامل تحلیل مطالعات موردی است که با توجه به معیارهای عملی و پژوهشی انتخاب شده‌اند. این نمونه‌ها شهرهایی را در بر

می‌گیرند که رویکردهای طراحی شهری در آن‌ها در کاهش جرم موفق یا ناموفق بوده است. مطالعات موردی از مناطق مختلف کشور انتخاب می‌شوند تا طیفی از شرایط اجتماعی-اقتصادی و سطوح تراکم شهری را پوشش دهند. داده‌های این مرحله عمدتاً از منابع ثانویه مانند گزارش‌های طراحی شهری، آمار رسمی جرم و تحقیقات آکادمیک جمع‌آوری شده و در صورت امکان با مشاهده میدانی تکمیل می‌گردد (Amjad et al., 2022). در مرحله سوم، تحلیل تطبیقی انجام می‌شود تا الگوهای رایج، نقاط قوت، ضعف و خلأهای موجود در راهبردهای اجرایی شناسایی شود. برای داده‌های کمی از ابزارهای آماری استفاده می‌شود؛ به‌عنوان نمونه نرخ جرم پیش و پس از اجرای مداخله‌های طراحی شهری برای ارزیابی میزان اثربخشی تحلیل می‌شود. داده‌های کیفی نیز همچون نظرات و برداشت‌های جامعه محلی از طریق روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) تفسیر می‌گردند. به‌کارگیری این رویکرد ترکیبی ضروری است، زیرا ترکیب داده‌های تجربی و اطلاعات زمینه‌ای امکان ارائه تصویری دقیق‌تر از رابطه چندبعدی و وابسته به زمینه میان طراحی شهری و پیشگیری از جرم را فراهم می‌سازد (Amjad et al., 2022).

راهبردهای طراحی شهری در پیشگیری از جرم

استراتژی‌های طراحی شهری با هدف کاهش جرم و ارتقای احساس ایمنی و شمول اجتماعی در فضاهای شهری توسعه یافته‌اند. این رویکردها بر اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) مبتنی هستند و بر این فرض استوارند که محیط فیزیکی می‌تواند فرصت‌هایی برای جلوگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه فراهم کند. در این بخش، پنج استراتژی کلیدی CPTED بررسی می‌شوند: نظارت طبیعی، تقویت قلمرو، کنترل دسترسی، تشویق فعالیت‌های اجتماعی و نگهداری محیط، که همگی نقش مهمی در افزایش امنیت و کیفیت تجربه شهری دارند (Ceccato et al., 2024).

نظارت طبیعی

نظارت طبیعی بر این اصل استوار است که دیده شدن فعالیت‌ها در فضاهای شهری می‌تواند به‌طور مؤثری از وقوع جرم جلوگیری کند. برای این منظور، محیط‌های شهری باید باز و قابل مشاهده طراحی شوند. مداخلات طراحی شامل قرار دادن پنجره‌ها و نماهای شفاف رو به خیابان، ایجاد میدان‌ها و فضاهای عمومی باز و کاهش موانع بصری مانند پوشش گیاهی متراکم یا ساختمان‌های نامناسب، خطوط دید واضحی ایجاد می‌کنند و امکان نظارت ساکنان و رهگذران را فراهم می‌آورند. نورپردازی مناسب نیز نقش حیاتی دارد؛ روشنایی کافی در خیابان‌ها، پارک‌ها و کوچه‌ها، نقاط تاریک و سایه‌های بالقوه خطرناک را کاهش داده و احساس امنیت را در شب افزایش می‌دهد. استفاده از چراغ‌های LED با نور ثابت، علاوه بر کارایی انرژی، دید واضح و مؤثر را تقویت می‌کند. این تدابیر نه تنها مجرمان بالقوه را از ارتکاب جرم باز می‌دارند، بلکه با افزایش حضور و تردد افراد در فضاهای عمومی، به شکل‌گیری نظارت طبیعی خودجوش کمک می‌کنند و حس امنیت و بهره‌برداری از محیط را در میان ساکنان تقویت می‌کنند (Armitage, 2016).

قلمرو و مالکیت

قلمروگرایی بر ایجاد حس مالکیت کاربران نسبت به محیط زندگی‌شان تأکید دارد، به این معنا که افراد احساس می‌کنند بر فضاها کنترل دارند و مسئولیت مراقبت از آن‌ها را بر عهده دارند. طراحی شهری با ایجاد تمایز مشخص میان فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی این حس مالکیت را تقویت می‌کند. ابزارهایی مانند نرده‌ها، پرچین‌ها، تغییرات در پیاده‌رو و علائم مشخص، مرزهای فضایی را روشن می‌سازند و نشان می‌دهند که فضا تحت مراقبت و نظارت است.

فضاهایی که برای ساکنان و جوامع محلی ملموس و متعلق به آنها است، مجرمان بالقوه را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، زیرا افراد حاضر در محیط آن را دقیق‌تر زیر نظر دارند. فعالیت‌های مکان‌سازی مانند باغ‌های اجتماعی، نقاشی‌های دیواری و سایر ابتکارات فرهنگی، علاوه بر زیباسازی فضا، پیوند میان ساکنان و محیط را تقویت می‌کند و حس تعلق و اجتماع را افزایش می‌دهد؛ این موضوع به‌طور غیرمستقیم موجب کاهش جرم و رفتارهای خرابکارانه می‌شود. به همین دلیل، احساس قلمروگرایی می‌تواند موجب کاهش تجاوز به حریم خصوصی و تخریب فضاهای مسکونی و عمومی گردد (Cozens, 2002; Amjad et al., 2022).

کنترل دسترسی

کنترل دسترسی یک استراتژی طراحی شهری است که با محدود کردن ورود و حرکت افراد در یک فضا، فرصت‌های وقوع جرم را کاهش می‌دهد. این رویکرد از طریق استفاده از موانع، مسیرهای هدایت‌شده و ورودی‌های کنترل‌شده اجرا می‌شود. نمونه‌هایی از این اقدامات شامل جوامع دارای دروازه، ایست‌های بازرسی، ستون‌های مهار و سایر موانع فیزیکی هستند که جریان حرکت را هدایت کرده و دسترسی غیرمجاز را محدود می‌کنند. کنترل دسترسی همچنین می‌تواند در فضاهای عمومی و امدادی ساده‌تر اعمال شود. برای مثال، مسیرهای عابرپیاده می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که افراد را از طریق مسیرهای روشن و تحت نظارت هدایت کرده و از مناطق تاریک یا منزوی دور کنند. در ساختمان‌ها، پارکینگ‌ها یا مراکز تجاری، استفاده از دوربین‌های مداربسته و حضور پرسنل امنیتی می‌تواند سطح کنترل را افزایش دهد. در فضاهای شهری، برنامه‌ریزان اغلب از محوطه‌سازی با بوته‌ها و گیاهان برای هدایت طبیعی حرکت عابران استفاده می‌کنند، بدون اینکه حس محدودیت اجباری ایجاد شود. چنین اقدامات طراحی، شبکه‌ایمینی محیط را تقویت کرده و در عین حال امکان دسترسی و شمول اجتماعی را حفظ می‌کند (Cozens, 2008; Usman et al., 2021).

فعالیت‌های حمایتی

فعالیت‌های حمایتی بر تشویق استفاده مشروع و فعال از فضاهای شهری تمرکز دارند تا با افزایش نظارت طبیعی و تقویت تعاملات اجتماعی مثبت، فرصت‌های وقوع جرم کاهش یابد. طراحی شهری می‌تواند با ایجاد محیط‌هایی که افراد متنوع را در ساعات مختلف روز جذب می‌کنند، این هدف را محقق کند. نمونه‌ای از این رویکرد، توسعه‌های کاربری مختلط است که عملکردهای مسکونی، تجاری و تفریحی را ترکیب کرده و جریان مداوم فعالیت را تضمین می‌کند، و در نتیجه فرصت‌های جرم کاهش می‌یابند. فضاهای عمومی طراحی شده برای تعامل اجتماعی، مانند زمین‌های بازی، سالن‌های ورزشی روباز، بازارها و مراکز فرهنگی، استفاده مستمر را تشویق کرده و محیط را پر جنب‌وجوش و دلپذیر می‌سازند. حضور فعال مردم در فضا، جذابیت آن برای مجرمان بالقوه را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، تجهیز فضاها با امکانات عمومی مانند صندلی، نقاط اتصال Wi-Fi و مناطق سایه‌دار، مدت زمان حضور افراد را افزایش داده و اثر پیشگیرانه فعالیت‌ها را تقویت می‌کند. نمونه‌هایی از موفقیت این استراتژی در شهرهایی مانند کپنهاگ و توکیو مشاهده شده است، جایی که تمرکز بر فضاهای مناسب برای عابران پیاده و محیط‌های پر جنب‌وجوش به کاهش نرخ جرم کمک کرده است (Crowe and Fennelly, 2013).

نگهداری و مدیریت

نگهداری شهری، که نشان‌دهنده نظارت و مراقبت مستمر از فضاهاست، نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. بر اساس نظریه هیو و لیما (۲۰۲۴)، بی‌توجهی به محیط—مانند نقاشی‌های دیواری غیرمجاز، ریختن زباله یا خرابکاری—می‌تواند حس بی‌نظمی ایجاد کرده و به تشدید رفتارهای مجرمانه منجر شود؛ این مفهوم به عنوان «نظریه پنجره‌های شکسته» شناخته می‌شود. برعکس، فضاهای به‌خوبی نگهداری‌شده پیام‌آور نظم و انضباط بوده و نشان می‌دهند که رفتارهای مخرب پذیرفته نیستند. نگهداری مؤثر شامل تمیزکاری منظم، تعمیر زیرساخت‌ها، هرس پوشش گیاهی اضافی و رسیدگی به آسیب‌ها پیش از فراگیر شدن آن‌هاست. همکاری میان شهرداری‌ها، مالکان خصوصی و گروه‌های مردمی می‌تواند پایداری پروژه‌های نوسازی و نگهداری طولانی‌مدت فضاها را تضمین کند. علاوه بر نگهداری فیزیکی، اقدامات مدیریتی مانند استخدام نگهبانان امنیتی، نصب دوربین‌های مداربسته و حضور نگهبانان اجتماعی نیز به عنوان ابزارهایی مکمل در حفظ ایمنی و جلوگیری از جرم مؤثرند (Cozens et al., 2005).

نقش فضاهای عمومی در پیشگیری از جرم

فضاهای عمومی، به عنوان عناصر جدایی‌ناپذیر زندگی شهری، نقش مهمی در تقویت تعاملات اجتماعی و پیشگیری از جرم دارند. این فضاها شامل مراکز حمل‌ونقل، محیط‌های چندمنظوره و دیگر نقاط تجمع شهری هستند که به عنوان کانون‌های معاشرت، فعالیت اقتصادی و تفریح عمل می‌کنند. طراحی و مدیریت هوشمندانه این مکان‌ها می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر ایمنی و درک امنیت ساکنان داشته باشد. فضاهای عمومی به‌وسیله مداخلاتی مانند نظارت طبیعی، تقویت حس قلمرو و ایجاد انسجام اجتماعی، ضمن کاهش احتمال وقوع رفتارهای مجرمانه، دسترسی همگانی و شمول اجتماعی را نیز ارتقا می‌دهند و محیط‌های امن و جذاب برای استفاده همگان فراهم می‌کنند.

پارک‌ها و فضاهای تفریحی: تعادل میان دسترسی و امنیت

پارک‌ها و فضاهای تفریحی، با ارائه فرصت‌های فعالیت‌های فعال و غیرفعال، جزء عناصر حیاتی هر جامعه شهری به‌شمار می‌روند. با این حال، طراحی یا نگهداری ناکافی این فضاها می‌تواند آن‌ها را به محل وقوع جرم تبدیل کند. حفظ جذابیت و امنیت این محیط‌ها نیازمند تعادل دقیق میان دسترسی و ایمنی است. رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) بر اهمیت طراحی باز و قابل مشاهده فضاها تأکید دارد، شامل خطوط دید روشن، نورپردازی مناسب و طراحی مسیرها و مکان‌های نشستن که از پنجره‌های خانه‌ها یا کسب‌وکارهای مجاور قابل‌رصد باشند. چنین طراحی‌هایی نظارت طبیعی را تقویت کرده و فرصت‌های وقوع جرم را کاهش می‌دهند. نمونه‌ای از موفقیت این استراتژی، پارک برایانت در نیویورک است؛ پیش از بازطراحی و برنامه‌ریزی رویدادهای متنوع، این پارک به دلیل فضاهای بسته و کم‌نظارت، مکان جرم‌خیزی بود. پس از بازگشایی لبه‌های پارک و برگزاری فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، میزان جرم کاهش و حضور بازدیدکنندگان افزایش یافت. دسترسی به فضا نیز باید مدیریت شود تا از سوءاستفاده جلوگیری شود و در عین حال امکان استفاده عمومی حفظ گردد. مسیرها و ورودی‌های کنترل‌شده، همراه با محوطه‌سازی مناسب و گشت‌های امنیتی، جذابیت مکان برای فعالیت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده مانند کنسرت‌های فضای باز، کلاس‌های یوگا و بازارهای محلی، حضور منظم کاربران را تضمین کرده و فضای پارک را سرزنده و امن نگه می‌دارند. در عین حال، اقدامات ایمنی نباید بیش از حد سخت‌گیرانه

باشند، زیرا ایجاد حس امنیتی بیش از حد می‌تواند کاربران را از فضا دور کرده و اثر نظارت طبیعی را کاهش دهد (Marzbali et al., 2011).

طراحی حمل و نقل و ترانزیت با محوریت ایمنی و کارایی

مراکز حمل و نقل، از جمله پایانه‌های اتوبوس، ایستگاه‌های قطار و شبکه‌های مترو، بخش حیاتی تحرک شهری محسوب می‌شوند، اما به دلیل حجم بالای افراد و فرصت‌های ناشناس بودن، اغلب نقاط قانونی وقوع جرم هستند. طراحی و مدیریت هوشمندانه این فضاها می‌تواند ایمنی را افزایش دهد، بدون آنکه کارایی آن‌ها مختل شود. یکی از راهبردهای کلیدی، حفظ خطوط دید روشن و نورپردازی مناسب در تمام بخش‌ها، شامل سکوها، پارکینگ‌ها و معابر اطراف است. استفاده از دوربین‌های مداربسته، ایستگاه‌های تماس اضطراری و حضور پرسنل امنیتی، ضمن افزایش آرامش کاربران، احتمال فعالیت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهد. نمونه‌ای از موفقیت این استراتژی، سیستم متروی لندن است که با ترکیب این عناصر، میزان سرقت و حمله کاهش یافته است. مدیریت جمعیت نیز نقش مهمی دارد؛ طراحی مسیرها و فضاهای علامت‌گذاری شده باعث تسهیل جهت‌یابی و کاهش تراکم‌های ناخواسته می‌شود، که در نتیجه فرصت‌های جیب‌بری و آزار و اذیت کمتر می‌شود. ادغام امکانات تجاری و خدماتی مانند فروشگاه‌ها، کافه‌ها و صندلی‌ها، استفاده مشروع از فضا را افزایش داده و حضور طبیعی افراد را تشویق می‌کند. همچنین، اتصال ایمن و روشن مسیرهای عابریاده به محله‌های اطراف، از انزوای مراکز حمل و نقل جلوگیری کرده و جذابیت آن‌ها برای فعالیت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهد (Mahmoudi et al., 2024).

طراحی مناطق مسکونی و کاربری مختلط: ترکیب فضاهای زندگی، کار و تفریح

کاربری مختلط، که ترکیبی از فضاهای مسکونی، تجاری و تفریحی است، به‌ویژه در پیشگیری از جرم مؤثر است. این نوع طراحی فعالیت‌های شبانه‌روزی را تشویق کرده، نظارت طبیعی را افزایش می‌دهد و با ارتقای تعاملات اجتماعی، فرصت‌های وقوع جرم را کاهش می‌کند. استفاده از ایوان‌های جلویی، پنجره‌های رو به خیابان و حیاط‌های مشترک، دید کافی برای ساکنان فراهم کرده و امکان تعامل میان همسایگان را تقویت می‌کند. محوطه‌سازی، نرده‌ها و علائم برای مشخص کردن مرزهای فضای خصوصی و عمومی، یا ایجاد فضاهای «میان» مانند ورودی‌های باز، حس قلمروگرایی را تقویت کرده و از نفوذ جمعیت غیرمجاز جلوگیری می‌کند. حضور فروشگاه‌ها، کافه‌ها و امکانات تفریحی در مناطق مختلط، کاربران متنوعی را جذب کرده و فضاهای شهری را سرزنده و کم‌خطر می‌سازد. نمونه موفق این رویکرد در هسته مرکز شهر ونکوور مشاهده می‌شود، جایی که پیاده‌راه‌های فعال و تعادل میان فضاهای مسکونی و عرصه‌های تجاری و عمومی، فعالیت شهری را افزایش داده و همزمان نرخ جرم را کاهش داده است. تنوع اجتماعی-اقتصادی نیز باید در طراحی مناطق مختلط در نظر گرفته شود. توسعه مسکن مقرون‌به‌صرفه و استفاده از شیوه‌های طراحی فراگیر، دسترسی جمعیت‌های مختلف به خدمات شهری را تسهیل کرده، عدالت اجتماعی را ارتقا داده و جرم ناشی از تفاوت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. نگهداری و نظارت منظم، از جمله جمع‌آوری زباله و حذف نقاشی‌های دیواری غیرمجاز، پیام‌آور مراقبت و نظم در محیط است و از وقوع جرم جلوگیری می‌کند (Gomez Torres, 2020).

چالش‌ها و محدودیت‌ها

اگرچه استراتژی‌های طراحی شهری پتانسیل بالایی برای پیشگیری از جرم دارند، بهره‌برداری کامل از این ظرفیت با موانع و محدودیت‌های متعددی همراه است. عوامل اجتماعی-اقتصادی نابرابر، تراکم جمعیت شهری و محدودیت‌های

سیاست‌گذاری می‌توانند اجرای طرح‌های پیشگیرانه از جرم را پیچیده کنند. شناخت و مدنظر قرار دادن این چالش‌ها، پایه‌ای ضروری برای توسعه شهرهایی است که نه تنها ایمن، بلکه عادلانه و فراگیر نیز باشند.

نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی: تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی بر الگوهای جرم

یکی از چالش‌های اصلی پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری، تأثیر نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی بر وقوع جرم است. در بسیاری از موارد، جرم در مناطقی متمرکز است که با فقر، بیکاری و بی‌نظمی اجتماعی بالاتر مواجه‌اند و ساکنان آن‌ها اغلب احساس بیگانگی بیشتری نسبت به جامعه دارند. این شرایط اجتماعی-اقتصادی محدودیت‌هایی برای اجرای مؤثر استراتژی‌های طراحی شهری ایجاد می‌کند. در چنین مناطق کم‌درآمد، منابع محدود برای طراحی و نگهداری فضاهای عمومی، مانند پارک‌ها و امکانات تفریحی، باعث می‌شود این فضاها در معرض سوءاستفاده مجرمانه قرار گیرند. کمبود نور و مراقبت، تراکم بالای جمعیت و فقدان امکانات و خدمات عمومی، احساس بیگانگی و اضطراب ساکنان را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، ساختارهای شهری مانند ساختمان‌های بلندمرتبه یا مجتمع‌های مسکونی با طراحی ضعیف، به دلیل نبود حس تعلق به اجتماع و انسجام اجتماعی پایین، نرخ جرم بالاتری را تجربه می‌کنند. بنابراین، مشکل نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی نمی‌تواند صرفاً با سیاست‌های طراحی شهری حل شود. برای کاهش جرم در این مناطق، نیاز است سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی نیز در کنار طراحی شهری، با هدف کاهش نابرابری، ارتقای فرصت‌های آموزشی و شغلی و تقویت حس تعلق به جامعه اجرا شوند (Uduo, 2025).

تراکم شهری و ازدحام جمعیت: ایجاد تعادل بین تراکم و ایمنی

اگرچه تراکم شهری معمولاً نشانه توسعه اقتصادی و پویایی است، اما تعادل بین بهره‌وری فضا و امنیت عمومی، چالشی منحصر به فرد ایجاد می‌کند. مناطق با تراکم بالا ممکن است با فشار بر خدمات عمومی، رقابت برای منابع و افزایش اصطکاک اجتماعی مواجه شوند که زمینه‌ساز وقوع جرم می‌گردد. تراکم زیاد می‌تواند تعاملات اجتماعی را کاهش دهد و ساکنان را از همسایگان‌شان دور کرده و به غریبه‌هایی در کنار یکدیگر تبدیل کند؛ این امر باعث تضعیف پیوندهای اجتماعی و کاهش نظارت طبیعی می‌شود. همچنین، نزدیکی زندگی و فعالیت افراد، فضای بیشتری برای وقوع جرم یا اقدامات کشف‌نشده فراهم می‌کند. نمونه‌ای از این وضعیت در ساختمان‌های بلندمرتبه دیده می‌شود؛ ورودی‌ها و فضاهای مشترک با طراحی ضعیف می‌توانند فرصت‌هایی برای سرقت یا خرید و فروش مواد مخدر ایجاد کنند. بازارها و دیگر فضاهای عمومی شلوغ نیز معمولاً اهداف جذابی برای جیب‌برها و سایر سارقان هستند. برای کاهش این مشکلات، برنامه‌ریزان شهری باید اطمینان حاصل کنند که فضاهای متراکم هم ایمن و هم قابل سکونت باشند. این شامل طراحی مناطق باز برای تعامل اجتماعی، بهبود قابلیت پیاده‌روی و ایجاد فضاهای سبز برای تجمعات عمومی است. استفاده از تاکتیک تراکم غیرمتمرکز، یعنی نزدیک‌تر کردن ساختمان‌ها و خدمات در محله‌های نیمه‌شهری و گرد، می‌تواند از احساس شلوغی بیش از حد جلوگیری کند و کارکردهای اصلی شهری را حفظ نماید. همچنین، طراحی مناسب سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، امکانات رفاهی و محله‌ها می‌تواند تعادلی بین تراکم و ایمنی ایجاد کند (Wortley and Townsley, 2016).

موانع سیاست‌گذاری و اجرا: چالش‌های اتخاذ و اجرای طرح‌های پیشگیرانه از جرم

اگرچه استراتژی‌های طراحی شهری به‌طور فزاینده‌ای به عنوان ابزار مؤثر پیشگیری از جرم مورد توجه قرار گرفته‌اند، اجرای آن‌ها با موانع مهم سیاستی و نهادی مواجه است. چالش اصلی، گنجاندن اهداف پیشگیری از جرم در فرآیند کلی

برنامه‌ریزی شهری است، که اغلب رشد اقتصادی، توسعه املاک و مستغلات و زیرساخت‌ها را بر امنیت عمومی و عدالت اجتماعی اولویت می‌دهد. طرح‌های پیشگیری از جرم در مکان‌هایی که عموم مردم می‌توانند تأثیر آن‌ها را مشاهده کنند، معمولاً مزایای فوری یا قابل توجهی نشان نمی‌دهند، بنابراین فقدان اراده سیاسی می‌تواند مانع اجرای این طرح‌ها شود. سیاست‌گذاران ممکن است به اهداف کوتاه‌مدت توسعه تمرکز کنند و سرمایه‌گذاری بلندمدت در امنیت عمومی را نادیده بگیرند، که منجر به برنامه‌هایی با بودجه ناکافی یا نادیده گرفته شده می‌شود. همچنین، جوامع محلی ممکن است در برابر راه‌حل‌های طراحی شهری که شامل نظارت یا کنترل دسترسی بیشتر است، مقاومت کنند، زیرا این اقدامات را به عنوان تهاجم به فضای عمومی یا تجاوز به حریم خصوصی خود می‌بینند. محدودیت‌های نظارتی و نهادی نیز می‌تواند مانع ترویج طرح‌های پیشگیرانه شوند، و همکاری بین بخش‌های مختلف دولت - مانند مسکن، حمل و نقل و اجرای قانون - برای اجرای برنامه‌های چندجانبه، اغلب دشوار است. بدون ساختار همکاری مشخص میان نهادهای دولتی، توسعه‌دهندگان خصوصی و گروه‌های ذینفع، حتی با معرفی مداخلات طراحی، تضمین نگهداری، نظارت و تعدیل مداوم آن‌ها چالش‌برانگیز خواهد بود. برای رفع این موانع، نیاز به استراتژی جامع و مشارکت محور وجود دارد. این رویکرد شامل ادغام پیشگیری از جرم در سیاست‌های شهری در تمام سطوح دولت، تخصیص بودجه برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در امنیت، و تشویق همکاری میان سازمان‌های دولتی، توسعه‌دهندگان خصوصی و سازمان‌های اجتماعی است. مشارکت عمومی نیز اهمیت بالایی دارد؛ ساکنان باید در تغییرات محیطی خود سهیم باشند و نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی یا امنیت به‌طور مؤثر رسیدگی شود (Davey et al., 2005).

۳. یافته‌ها و بحث

بخش بحث، یافته‌های تحقیق را با کاربردهای عملی مرتبط می‌کند و به تحلیل انتقادی تأثیر طراحی شهری بر پیشگیری از جرم می‌پردازد. در این بخش، چگونگی انتقال بینش‌های نظری به سیاست‌ها و رویه‌های اجرایی در شهرهای مختلف جهان بررسی می‌شود. تأکید اصلی بر اهمیت پیوند میان دانش نظری و اجرای عملی است تا محیط‌های شهری نه تنها ایمن، بلکه قابل سکونت و فراگیر باشند.

۳-۱. تلفیق یافته‌ها: چگونه طراحی شهری بر پیشگیری از جرم تأثیر می‌گذارد

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که طراحی شهری با شکل‌دهی شرایط فیزیکی، اجتماعی و محیطی که جرم در آن رخ می‌دهد، نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. یکی از مضامین کلیدی، مفهوم نظارت طبیعی است؛ طراحی فضاهای شهری با افزایش دید و تردد عابران پیاده، فعالیت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهد. فضاهای باز و روشن، مانند پارک‌ها، خیابان‌های عابرپیاده و طبقات همکف فعال ساختمان‌ها، ساکنان و رهگذران را قادر می‌سازد تا محیط اطراف خود را تحت نظارت قرار دهند. این نظارت نه تنها مانع از جرم می‌شود، بلکه حس اجتماع و اعتماد اجتماعی را نیز تقویت می‌کند. نمونه‌ای از این تأثیر، احیای میدان تایمز در نیویورک است که نشان می‌دهد بهبود خطوط دید و افزایش فعالیت‌های عمومی می‌تواند نرخ جرم را به‌طور چشمگیری کاهش دهد (Usman et al., 2023).

مفهوم قلمروگرایی و مالکیت نیز به عنوان عامل کلیدی پیشگیری از جرم برجسته شده است. طراحی شهری با مشخص کردن واضح مرزهای فضاهای خصوصی و عمومی، حس مالکیت را در ساکنان و کاربران فضا افزایش می‌دهد. این حس مالکیت، مشارکت افراد در کنترل اجتماعی غیررسمی، مانند گزارش رفتارهای مشکوک یا مداخله در مواقع ضروری، را تشویق می‌کند. ادغام توسعه‌های چندمنظوره که شامل ترکیب فضاهای مسکونی، تجاری و تفریحی است، با

ایجاد محله‌های فعال و پرجنب‌وجوش در طول روز و شب، این قلمروگرایی را تقویت می‌کند. یکی دیگر از یافته‌های مهم، نقش حمایت از فعالیت‌ها است؛ فضاهای عمومی که برای رویدادهای اجتماعی، تفریح و تعامل طراحی شده‌اند، با ارائه گزینه‌های مثبت برای کاربران، به ویژه در جوامع آسیب‌پذیر، فعالیت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهند. نمونه‌های موفق شامل خیابان‌های مناسب برای عابران پیاده در کپنهاگ و طرح رشد ایمن در کلگری هستند، که نشان می‌دهند ترویج فعالیت‌های مشروع می‌تواند فرصت‌های جرم را کاهش دهد (Usman et al., 2023).

در نهایت، نگهداری و مدیریت فضاها نقش حیاتی در حفظ اثربخشی پیشگیری از جرم دارند. فضاهای به خوبی نگهداری‌شده، سیگنالی از نظم و مراقبت به مجرمان بالقوه ارسال می‌کنند و از خرابکاری و دیگر فعالیت‌های مجرمانه جلوگیری می‌کنند. اقدامات نگهداری شامل نظافت، حذف نقاشی‌های دیواری و تعمیرات به موقع، محیطی ایجاد می‌کند که ساکنان و بازدیدکنندگان در آن احساس امنیت و ارزشمندی داشته باشند. تجربه میدان تایمز نیویورک و دیگر محله‌های بازسازی‌شده نشان می‌دهد که نگهداری مداوم، امنیت ادراک‌شده را افزایش داده و حضور مداوم کاربران قانونی را تشویق می‌کند (Usman et al., 2023).

۳-۲. ادغام با سیاست و عمل: پل زدن بین نظریه و کاربردهای دنیای واقعی

اگرچه اصول نظری پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری به خوبی تثبیت شده‌اند، اما تبدیل این ایده‌ها به سیاست‌ها و اقدامات عملی همچنان چالشی پیچیده است. شکاف بین نظریه و کاربردهای دنیای واقعی اغلب ناشی از عوامل متعددی از جمله محدودیت‌های بودجه، اراده سیاسی و سطح مشارکت جامعه است. پر کردن این شکاف نیازمند ادغام هوشمندانه اصول طراحی با سیاست‌های شهری است که ایمنی، شمول و پایداری را در اولویت قرار دهند.

یکی از موانع اصلی، عدم هماهنگی میان طراحی شهری، اجرای قانون و خدمات اجتماعی است. پروژه‌های موفق پیشگیری از جرم نیازمند همکاری میان برنامه‌ریزان شهری، سازمان‌های اجتماعی و نیروهای پلیس هستند. بدون چنین هماهنگی، مداخلات طراحی شهری ممکن است قادر به پرداختن به عوامل زمینه‌ای جرم، مانند فقر، بیکاری و ضعف انسجام اجتماعی، نباشند. به عنوان مثال، روشنایی مناسب خیابان‌ها و فعال‌سازی فضاهای عمومی ممکن است کافی نباشد اگر جوامع با نابرابری‌های اجتماعی و محرومیت روبه‌رو باشند. بنابراین، سیاست‌های شهری باید استراتژی‌هایی جامع داشته باشند که هم بر محیط فیزیکی و هم بر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی جرم تمرکز کنند.

چالش دیگر، محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی است. بودجه محدود، اختلافات سیاسی و اولویت‌های رقابتی می‌توانند مانع اجرای طرح‌های پیشگیرانه از جرم شوند. در بسیاری از شهرها، پروژه‌های طراحی شهری با هدف پیشگیری از جرم ممکن است به نفع توسعه زیرساخت‌ها یا پروژه‌های اقتصادی کنار گذاشته شوند. این اولویت‌بندی نادرست منجر به پروژه‌های کم‌بودجه می‌شود که منابع کافی برای نگهداری و مشارکت جامعه را ندارند. برای غلبه بر این محدودیت‌ها، دولت‌های شهری باید بودجه پایدار اختصاص دهند و اطمینان حاصل کنند که این پروژه‌ها به طور مؤثر در فرآیند کلی برنامه‌ریزی شهری ادغام شوند.

مشارکت جامعه عامل کلیدی دیگری در موفقیت این طرح‌هاست. استراتژی‌های طراحی شهری هنگامی بیشترین تأثیر را دارند که با نیازها و ترجیحات محلی سازگار باشند. مشارکت ساکنان در فرآیند طراحی، تضمین می‌کند که دیدگاه‌ها و ارزش‌های فرهنگی آنها لحاظ شود و فضاهایی ایجاد شود که هم امن و هم فراگیر باشند. نمونه‌هایی مانند ونکوور و کلگری نشان می‌دهند که فرآیندهای طراحی مشارکتی می‌توانند محله‌هایی پرجنب‌وجوش و امن ایجاد کنند که ساکنان

احساس سرمایه‌گذاری در ایمنی و نگهداری محیط خود داشته باشند. در نهایت، ارزیابی و سازگاری مداخلات برای اثربخشی بلندمدت ضروری است. با تغییر الگوهای جرم، پویایی‌های اجتماعی و نیازهای شهری، طرح‌های شهری باید انعطاف‌پذیر باشند و با این تغییرات سازگار شوند. نظارت مستمر و جمع‌آوری بازخورد از جوامع محلی، مجریان قانون و برنامه‌ریزان شهری، امکان اصلاح و بهینه‌سازی سیاست‌ها و طرح‌ها را فراهم می‌کند (Khan et al., 2023).

۳-۳. خلاصه‌ای از بینش‌های کلیدی: یافته‌های اصلی مطالعه

این مطالعه تأکید می‌کند که طراحی شهری می‌تواند با شکل‌دهی به محیط‌هایی که رفتار مجرمانه در آن‌ها رخ می‌دهد، نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چندین استراتژی کلیدی طراحی شهری، شامل نظارت طبیعی، قلمروگرایی، کنترل دسترسی، فعالیتهای حمایتی و نگهداری، به‌طور جمعی در کاهش فعالیت‌های مجرمانه و افزایش احساس امنیت مؤثر هستند. نظارت طبیعی، که از طریق طراحی فضاهای باز و روشن، خطوط دید واضح، و افزایش تردد عابران پیاده حاصل می‌شود، امکان نظارت غیررسمی توسط ساکنان و کاربران را فراهم می‌کند و اجرای رفتارهای مجرمانه را دشوار می‌سازد. مثال‌های جهانی، مانند احیای میدان تایمز در نیویورک، نشان می‌دهند که بهبود دید و افزایش فعالیت‌های عمومی می‌تواند جرم را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد (Khan et al., 2023). قلمروگرایی و حس مالکیت نیز نقش مهمی در کنترل اجتماعی غیررسمی دارند. با ایجاد مرزهای مشخص بین فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی و نگهداری مناسب این فضاها، ساکنان نسبت به محیط اطراف خود احساس مسئولیت می‌کنند و به‌طور فعال در نظارت بر آن مشارکت می‌کنند. ترکیب توسعه‌های چندمنظوره، که مناطق مسکونی، تجاری و تفریحی را با هم ادغام می‌کند، این قلمروگرایی را تقویت کرده و محله‌هایی پرجنب‌وجوش ایجاد می‌کند که فعالیت‌های مجرمانه در آن‌ها کاهش می‌یابد.

کنترل دسترسی با محدود کردن یا هدایت حرکت افراد از طریق مسیرها، دروازه‌ها و موانع فیزیکی، فرصت‌های جرم را کاهش می‌دهد. این استراتژی با طراحی هوشمندانه مسیرهای عابر پیاده، ایستگاه‌ها و مناطق عمومی، امکان دسترسی نامطلوب به فضاهای حساس را محدود می‌کند و ضمن افزایش ایمنی، تجربه مثبت کاربران قانونی را حفظ می‌کند. فعالیتهای حمایتی نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر است. طراحی فضاهایی که فعالیتهای قانونی و مشروع را تشویق می‌کنند، با افزایش استفاده از فضاهای عمومی، احتمال وقوع جرم را کاهش می‌دهد. فضاهای باز برای رویدادهای اجتماعی، امکانات ورزشی و بازارهای محلی نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند مشارکت جامعه و فعالیتهای مثبت می‌توانند فعالیت‌های مجرمانه را به‌طور مؤثر مهار کنند (Khan et al., 2023).

نگهداری و مدیریت مستمر نقش حیاتی در تقویت تمام استراتژی‌های پیشگیری از جرم دارد. فضاهای به‌خوبی نگهداری شده، مانند خیابان‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی، پیامی از مراقبت و نظارت به مجرمان بالقوه منتقل می‌کنند و همزمان حس امنیت و ارزشمندی را برای ساکنان ایجاد می‌کنند. مطالعات میدانی در میدان تایمز و دیگر محله‌های احیا شده نشان می‌دهد که نگهداری مداوم، حضور مستمر کاربران قانونی و کاهش جرم را به همراه دارد. با این حال، اجرای مؤثر طراحی شهری با محدودیت‌هایی نیز مواجه است. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، تراکم شهری و موانع سیاستی می‌توانند تأثیر طرح‌های پیشگیرانه از جرم را محدود کنند. مناطق کم‌درآمد و پرجمعیت، با دسترسی محدود به امکانات و خدمات، اغلب با سطوح بالاتر جرم و بیگانگی اجتماعی مواجه هستند. از سوی دیگر، تراکم بالا می‌تواند پیوندهای اجتماعی را تضعیف کرده و فرصت‌های وقوع جرم را افزایش دهد. علاوه بر این، محدودیت‌های نهادی و سیاسی نیز

چالش‌هایی ایجاد می‌کنند. فقدان هماهنگی بین بخش‌های مختلف شهری، اولویت‌دهی به اهداف اقتصادی کوتاه‌مدت و محدودیت بودجه می‌تواند مانع اجرای طرح‌های پیشگیرانه شود. مشارکت جامعه، بودجه‌بندی بلندمدت و هماهنگی بین سازمان‌های دولتی و خصوصی، کلید موفقیت در این زمینه است. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که طراحی شهری می‌تواند به‌طور مؤثر پیشگیری از جرم را تقویت کند، مشروط بر آن‌که اصول طراحی به‌صورت هماهنگ با سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و مشارکت جامعه اجرا شوند. این دیدگاه یک رویکرد جامع ارائه می‌دهد که نه تنها فضاهای شهری را امن‌تر می‌کند، بلکه انسجام اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط‌های شهری را نیز افزایش می‌دهد (Khan et al., 2023).

۳-۴. توصیه‌هایی برای برنامه‌ریزان شهری: دستورالعمل‌هایی برای گنجاندن پیشگیری از جرم در طراحی شهری

بر اساس یافته‌های مطالعه، توصیه‌های زیر برای برنامه‌ریزان شهری و سیاست‌گذاران جهت گنجاندن پیشگیری از جرم در طراحی شهری ارائه می‌شود.

اولویت دادن به نظارت طبیعی: فضاها باید به گونه‌ای طراحی شوند که قابلیت دید و دسترسی حداکثر شود، مانند خیابان‌های باز و عریض و فضاهای عمومی روشن. خطوط دید واضح در ساختمان‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی، فرصت‌های جرم را کاهش داده و تعامل کاربران قانونی را افزایش می‌دهد.

تقویت حس مالکیت و مشارکت اجتماعی: طراحی شهری باید حس قلمروگرایی را تشویق کند تا ساکنان نسبت به محیط اطراف خود احساس مسئولیت و ارتباط داشته باشند. این امر با توسعه‌های چندمنظوره، فضاهای عمومی جامعه‌محور و مشارکت فعال ساکنان در فرآیند طراحی محقق می‌شود.

ادغام اقدامات کنترل دسترسی: با بررسی دقیق نقاط دسترسی و الگوهای حرکتی، می‌توان جریان افراد در فضاها را هدایت و فرصت‌های جرم را کاهش داد. استفاده از موانع فیزیکی، طراحی مسیرهای مشخص و مرزهای واضح در فضاهای عمومی، از جمله روش‌های مؤثر است.

حمایت از استفاده مثبت از فضاهای عمومی: ترویج فعالیت‌هایی که استفاده منظم از فضاهای عمومی را تشویق می‌کنند، مانند رویدادهای اجتماعی، امکانات تفریحی و فعالیت‌های فرهنگی، باعث جذب کاربران قانونی و کاهش فرصت‌های جرم می‌شود.

اطمینان از نگهداری و مدیریت مداوم: نگهداری منظم فضاها، شامل نظافت، تعمیر زیرساخت‌ها و رسیدگی به خرابکاری، از تخریب جلوگیری می‌کند، احساس غفلت را کاهش می‌دهد و ارزش و ایمنی فضا را تقویت می‌کند.

همکاری بین بخش‌ها: موفقیت طراحی شهری در پیشگیری از جرم نیازمند هماهنگی بین برنامه‌ریزان شهری، مجریان قانون، خدمات اجتماعی و جوامع محلی است. سیاست‌ها باید پیشگیری از جرم را با اهداف گسترده‌تر توسعه شهری و توجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با جرم ادغام کنند.

اتخاذ چشم‌انداز بلندمدت: پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری باید به عنوان استراتژی‌ای بلندمدت دیده شود. ارزیابی و تطبیق مداوم راه‌حل‌ها با تغییر جمعیت‌شناسی و پویایی‌های اجتماعی، برای حفظ اثربخشی آن‌ها ضروری است (Hussain et al., 2023).

۳-۵. مسیرهای تحقیقاتی آینده: حوزه‌هایی برای کاوش بیشتر در طراحی شهری و جرم‌شناسی محیطی

اشخاص

اگرچه این مطالعه بینش‌های مهمی در مورد نقش طراحی شهری در پیشگیری از جرم ارائه می‌دهد، اما زمینه‌های متعددی وجود دارد که تحقیقات بیشتر برای تعمیق درک و اصلاح استراتژی‌های پیشگیری از جرم را ضروری می‌سازد:

۱. تأثیر نابرابری اجتماعی-اقتصادی بر طرح‌های پیشگیری از جرم: تحقیقات آینده باید بررسی کنند که چگونه می‌توان مداخلات طراحی شهری را برای رسیدگی به چالش‌های خاص اقتصادی جوامع محروم تنظیم کرد. درک اینکه چگونه طراحی می‌تواند شکاف بین گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی را پر کند، می‌تواند به کاهش جرم در مناطق حاشیه‌ای و ترویج شمول اجتماعی کمک کند.
۲. ارزیابی اثربخشی بلندمدت طرح‌های پیشگیری از جرم: نیاز به مطالعات طولی بیشتری وجود دارد که تأثیر بلندمدت استراتژی‌های طراحی شهری پیشگیری از جرم را ارزیابی کنند. این می‌تواند شامل ردیابی نرخ جرم، درک جامعه از ایمنی و پویایی اجتماعی محله‌ها در طول زمان باشد تا درک شود که چگونه فضاهای خوب طراحی شده همچنان در آینده از جرم جلوگیری می‌کنند.
۳. بررسی نقش فناوری در پیشگیری از جرم: از آنجایی که شهرها به طور فزاینده‌ای فناوری را در محیط‌های شهری خود ادغام می‌کنند، تحقیقات آینده باید بررسی کنند که چگونه فناوری‌هایی مانند سیستم‌های نظارتی، روشنایی هوشمند و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌تواند به طور مؤثر در طراحی شهری گنجانده شوند تا ایمنی را افزایش دهند و در عین حال حریم خصوصی و آزادی‌های مدنی را حفظ کنند.
۴. نقش مشارکت جامعه در پیشگیری از جرم: مطالعات بیشتر باید تأثیر ابتکارات طراحی شهری با محوریت جامعه را بر پیشگیری از جرم بررسی کند. تحقیقات می‌تواند بر چگونگی تأثیر مشارکت جامعه بر فرآیند طراحی و اینکه آیا منجر به رضایت بیشتر از فضاهای عمومی و افزایش امنیت جامعه می‌شود یا خیر، تمرکز کند.
۵. مقایسه‌های بین فرهنگی و بین‌المللی: تحقیقات می‌تواند از بررسی استراتژی‌های طراحی شهری در زمینه‌های فرهنگی و جغرافیایی مختلف برای تعیین اینکه آیا طرح‌های پیشگیری از جرم به صورت جهانی قابل اجرا هستند یا باید با هنجارها، رفتارها و ساختارهای اجتماعی فرهنگی محلی تطبیق داده شوند، بهره ببرند.
۶. ادغام جرم‌شناسی محیطی با برنامه‌ریزی شهری گسترده‌تر: تحقیقات آینده باید جرم‌شناسی محیطی را با سایر زمینه‌های برنامه‌ریزی شهری، از جمله برنامه‌ریزی حمل و نقل، سیاست مسکن و بهداشت عمومی، بیشتر ادغام کند (جدول ۱) درک چگونگی تعامل عناصر مختلف طراحی شهری برای تأثیرگذاری بر ایمنی می‌تواند منجر به استراتژی‌های جامع‌تر و مؤثرتر پیشگیری از جرم شود (Hussain et al., 2023).

۴. نتیجه‌گیری

این تحقیق نشان می‌دهد که طراحی شهری، از طریق تأثیرگذاری بر محیط فیزیکی و پویایی اجتماعی فضاها، نقش مهمی در پیشگیری از جرم دارد. ادغام استراتژی‌هایی مانند نظارت طبیعی، قلمروگرایی، کنترل دسترسی، پشتیبانی از فعالیت‌ها و نگهداری می‌تواند محیط‌های امن‌تر و پایدارتر ایجاد کند، فرصت‌های جرم را کاهش دهد و حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری ساکنان را تقویت نماید. با این حال، اجرای این اصول در دنیای واقعی با چالش‌هایی مانند نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، تراکم شهری و محدودیت‌های سیاسی یا مالی مواجه است و نیازمند مشارکت فعال جامعه و همکاری میان‌بخشی است. پیشگیری از جرم فراتر از طراحی فیزیکی است و باید عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بر رفتار مجرمانه را نیز در نظر گرفت. رویکردی جامع و یکپارچه که طراحی شهری را با زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی و اقتصادی همسو کند، می‌تواند هم امنیت محیط را افزایش دهد و هم کیفیت زندگی ساکنان را بهبود بخشد.

تحقیقات آینده باید به بررسی ارتباط میان طراحی شهری، پیشگیری از جرم و عدالت اجتماعی و ارزیابی اثربخشی بلندمدت استراتژی‌های پیشگیرانه در محیط‌های شهری متنوع پردازد.

جدول ۱. پیشنهاد‌های تحقیقاتی آینده در پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری

مثال/کاربرد عملی	هدف	زمینه تحقیقاتی
طراحی پارک‌ها و فضاهای عمومی با توجه به نیازهای جوامع کم‌درآمد و ایجاد فرصت‌های مشارکت محلی	بررسی چگونگی تطبیق مداخلات طراحی شهری با جوامع محروم برای کاهش جرم و ترویج شمول اجتماعی	تأثیر نابرابری اجتماعی-اقتصادی
مطالعات طولی در محله‌های احیا شده برای مشاهده تغییرات در نرخ جرم و احساس امنیت ساکنان	ردیابی تأثیر مداخلات طراحی شهری بر جرم و امنیت در طول زمان	ارزیابی اثربخشی بلندمدت
نصب دوربین‌ها و روشنایی هوشمند در ایستگاه‌ها و پارک‌ها با رعایت حریم خصوصی	تحلیل ادغام سیستم‌های نظارتی، روشنایی هوشمند و داده‌کاوی در پیشگیری از جرم	نقش فناوری
برنامه‌های طراحی مشارکتی با حضور ساکنان برای تعیین محل فضاهای اجتماعی و فرهنگی	بررسی تأثیر مشارکت ساکنان در طراحی فضاهای عمومی بر امنیت و رضایت کاربران	مشارکت جامعه
بررسی طرح‌های پیشگیری از جرم در شهرهای مختلف با فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی متفاوت	تعیین قابلیت اجرای جهانی یا نیاز به تطبیق محلی استراتژی‌ها	مقایسه بین فرهنگی و بین‌المللی
طراحی محله‌ها با در نظر گرفتن شبکه حمل و نقل، دسترسی به خدمات اجتماعی و امکانات رفاهی	توسعه استراتژی‌های جامع پیشگیری از جرم با ترکیب حوزه‌های حمل و نقل، مسکن و بهداشت عمومی	ادغام جرم‌شناسی محیطی با برنامه‌ریزی شهری گسترده‌تر

۵. منابع و مآخذ

- سهرابی اسمرود، مهران و نجفی توانا، علی. (۱۴۰۱). بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران: موانع و مقتضیات، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۲۳-۱۵۰.
- احمدی، اصغر؛ خسروشاهی، قدرت‌الله و شاملو، باقر. (۱۳۹۷). حمایت کیفری از محیط‌زیست شهری در حقوق کیفری ایران، مجله اقتصاد شهری، دوره ۲، شماره ۲، ۳۷-۵۴.
- Amjad, S. O. H. A. I. L., Khan, A. S. I. F. and Usman, M. U. H. A. M. M. A. D. (2022). *Analyzing International Environmental Law in Addressing Air Pollution*. Asian Social Studies and Applied Research (ASSAR), 3(01), 272-283.
- Armitage, R. (2016). *Crime prevention through environmental design*. In Environmental criminology and crime analysis (pp. 278-304). Routledge.

5. Brantingham, P. L. and Brantingham, P. J. (1981). *Environmental Criminology*.
6. Ceccato, V. and Brantingham, P. (2024). *What is the role of architects and urban planners in crime prevention?*. *Security Journal*, 37(3), 489-514.
7. Cohen, L. E. and Felson, M. (1979). *Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach*. *American Sociological Review*.
8. Cozens, P. (2008). *Crime prevention through environmental design in Western Australia: planning for sustainable urban futures*. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 3(3), 272-292.
9. Cozens, P. (2013). *Crime prevention through environmental design*. In *Environmental criminology and crime analysis* (pp. 175-199). Willan.
10. Cozens, P. M. (2002). *Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British city. Towards an effective urban environmentalism for the 21st century*. *Cities*, 19(2), 129-137.
11. Cozens, P. M. (2011). *Urban planning and environmental criminology: Towards a new perspective for safer cities*. *Planning practice and research*, 26(4), 481-508.
12. Cozens, P. M., Saville, G. and Hillier, D. (2005). *Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography*. *Property management*, 23(5), 328-356.
13. Crowe, T. and Fennelly, L. J. (2013). *Crime prevention through environmental design*. Elsevier.
14. Davey, C. L., Wootton, A. B., Cooper, R. and Press, M. (2005). *Design against crime: Extending the reach of crime prevention through environmental design*. *Security Journal*, 18, 39-51.
15. Gomez Torres, J. (2020). *Environmental Crime Prevention and Urban Design in Public Spaces in Colombia* (Doctoral dissertation, ResearchSpace@ Auckland).
16. Herrera, G. (2023). *The Venezuelan Refugee Crisis: A Case Study in State-Based Strategies for Addressing Global Mass Displacement* (Master's thesis, University of California, Santa Barbara).
17. Hillier, B. and Sahbaz, O. (2008). *An Evidence-Based Approach to Crime and Urban Design*.
18. Hu, X. and Lima, M. F. (2024). *The association between maintenance and biodiversity in urban green spaces: A review*. *Landscape and Urban Planning*, 251, 105153.
19. Hussain, N., Khan, A. and Memon, S. (2023). *Addressing Marine Pollution: An Analysis of MARPOL 73/78 Regulations and Global Implementation Efforts*. *Journal of Social Sciences Review*, 3(1), 572-589.
20. Hussain, N., Khan, A. and Wassan, R. (2023). *UNCLOS 1982: Comparative Analysis of Marine Pollution Prevention by Ships*. *Annals of Human and Social Sciences*, 4(2), 295-308.
21. Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great American Cities*.
22. Jeffery, C. R. (1971). *Crime Prevention Through Environmental Design*.
23. Khan, A. and Usman, M. (2023). *THE EFFECTIVENESS OF INTERNATIONAL LAW: A COMPARATIVE ANALYSIS*. *International Journal of Contemporary Issues in Social Sciences*, 2(3), 780-786.
24. Khan, A. and Ximei, W. (2022). *Digital economy and environmental sustainability: Do Information Communication and Technology (ICT) and economic complexity matter?*. *International journal of environmental research and public health*, 19(19), 12301.
25. Mahmoudi, R., Saidi, S. and Wirasinghe, S. C. (2024). *A critical review of analytical approaches in public bus transit network design and operations planning with focus on emerging technologies and sustainability*. *Journal of Public Transportation*, 26, 100100.

26. Marzbali, M. H., Abdullah, A., Abd Razak, N. and Tilaki, M. J. M. (2011). *A review of the effectiveness of crime prevention by design approaches towards sustainable development*. Journal of Sustainable Development, 4(1), 160.
27. Newman, O. (1972). *Defensible Space: Crime Prevention Through Urban Design*.
28. Reynald, D. M. (2011). *Guardianship in Action: Empirical Evidence and Theoretical Developments*.
29. Tate, A. (2015). *BRYANT PARK, NEW YORK*. In *Great City Parks* (pp. 37-44). Routledge.
30. Uduo, T. A. (2025). *Understanding Environmental Criminology: Theory, Practice, and Implications for Lagos State Residents in Nigeria*. Eastern African Journal of Humanities and Social Sciences, 4(1), 49-58.
31. Usman, M., Amjad, S. and Khan, A. (2023). *Clearing the Air: Legal Strategies for Combating Smog and Pollution*. Journal of Strategic Policy and Global Affairs, 4(01).
32. Usman, M., Khan, A. and Amjad, S. (2021). *Implications of Transnational Crime on Maritime Jurisdiction and Enforcement*. International Review of Social Sciences, 9(04), 456-462.
33. Weisburd, D., Groff, E. R. and Yang, S. M. (2012). *The Criminology of Place: Street Segments and Our Understanding of the Crime Problem*.
34. Wortley, R. and Townsley, M. (2016). *Environmental criminology and crime analysis: Situating the theory, analytic approach and application*. In *Environmental criminology and crime analysis* (pp. 20-45). Routledge.

Urban Design and Crime Prevention: An Environmental Criminology Approach

Abdolreza Mahdipoor^{*1}

Abstract

Urban design is a key factor in shaping social interactions and reducing crime rates in contemporary cities. This study explores the intersection between urban planning and environmental criminology, demonstrating how the physical characteristics of urban spaces can contribute to crime prevention. Drawing on major criminological theories—including Routine Activity Theory, Crime Pattern Theory, and Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)—the research analyzes the relationship between the physical structure of space and the occurrence of criminal behavior. Adopting a mixed approach, this study combines a comprehensive review of relevant literature with an analysis of successful urban spaces recognized for employing effective safety strategies. The findings indicate that elements such as enhanced visual surveillance, territorial reinforcement, and access control play a significant role in reducing crime by increasing visibility, fostering social belonging, and decreasing the likelihood of unlawful activities. However, challenges such as socioeconomic inequalities, implementation constraints, and complexities arising from urban density hinder the full application of preventive strategies. The research emphasizes the necessity of an interdisciplinary approach that integrates urban design, policymaking, and community participation simultaneously. The results provide practical insights for planners, policymakers, and urban practitioners, offering actionable recommendations for incorporating crime prevention strategies into urban development programs. Additionally, further research is recommended to explore innovative solutions tailored to the specific conditions of different cities.

Keywords

Urban design, Environmental criminology, Policymaking, Community participation, Crime reduction

1. PhD student. in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. (*Corresponding Author: Reza.mahdi13640@gmail.com)